

بسم الله الرحمن الرحيم

آخرین پیشرفت‌ها در مورد جنگ غزه

ما در تحلیل اصلی خویش در مورد جنگ اسرائیل علیه غزه به این نتیجه رسیدیم که این جنگ نتیجه اختلافات استراتژیک بزرگ میان اسرائیل و آمریکا می‌باشد. [1] آمریکا می‌خواهد «به محور آسیا» که برای آن به اسرائیل نیاز دارد تا با کشورهای جهان اسلام معاهدات رسمی امضا کند و با تشکیل کشور فلسطین موافقت نمایند. دولت اسرائیل به رهبری نخست‌وزیر نتانیا، به هر حال می‌خواهد برخی از شروط توافق‌نامه ابراهیم را تغییر دهد، تا از تسلط نظامی خویش در خاورمیانه اطمینان حاصل کند و از هرگونه مذاکره در مورد تشکیل کشور فلسطینی خودداری نماید. در عوض، می‌خواهد «قضیه فلسطین» را با بیرون راندن فلسطینی‌ها از غزه و کرانه باختری و الحاق این مناطق به «اسرائیل بزرگ» حل نماید. [2] ما قبلاً گفته بودیم:

"آمریکا به احتمال زیاد از پلان‌های حماس برای هفتم اکتوبر آگاه بود و روی نخبگان سیاسی و امنیتی اسرائیل کار کرد تا اجازه دهند این پلان‌ها با موفقیت اجرا شوند. هدف آمریکا این بود که از هفتم اکتوبر برای اعمال فشار بالای نتانیا، نخست‌وزیر اسرائیل استفاده کند، تا او را با استراتژی جغرافیای-سیاسی آمریکا برای خاورمیانه همسو کند."

همچنان ما در تحلیل جغرافیای سیاسی ابتدایی خود خاطرنشان کردیم که در آن لحظه، از اوایل تا اواسط دسمبر، آمریکا هنوز موفق نشده بود از نخست‌وزیر اسرائیل، نتانیا، آن‌چه را که می‌خواست به دست آورد. این تحلیل جغرافیای سیاسی به آن‌چه که از آن زمان رخ داده است و آن‌چه که این تحولات در مورد محتمل‌ترین مسیر جنگ علیه غزه را نشان می‌دهد، می‌پردازد.

جنگ غزه در ماه دسمبر 2023

سلطه یهود در ماه دسمبر به حملات خود در غزه ادامه داد. تا 26 دسمبر، 29124 فلسطینی شهید شده‌اند که اکثریت کشته شدگان غیرنظامی بودند، از جمله 11422 طفل، 5822 زن، 481 پرسونل صحنی و 101 خبرنگار می‌باشند. [3]

در ماه دسمبر عملیات نظامی اسرائیل به عمق غزه نفوذ کرده و مناطقی را هم در مرکز و هم در جنوب این سرزمین هدف قرار داد [4] - مناطقی که پیش از این ارتش اسرائیل به اکثر 2.3 میلیون ساکن غزه گفته بود که به آن‌جا فرار نمایند. [5]

آمریکا به حمایت عملیاتی خود از ارتش یهودی ادامه داد. برای فراهم کردن محموله‌های تسلیحات به دولت یهود، بایدن یعنی دولت آمریکا دو بار تصمیم غیرمعمولی را برای اعلام وضعیت اضطراری در خاورمیانه اتخاذ کرد، به گونه‌ای که می‌توان از بررسی اجباری کنگره را در مورد فروش تسلیحات دور زد. در روز جمعه، هشتم دسمبر، دولت بایدن از این بند اضطراری برای تأمین فوری 1300 گلوله تانک به اسرائیل استفاده کرد. [6] و در روز جمعه، 29 دسمبر، دوباره برای فروش بیشتر مهمات توپخانه و تجهیزات مربوطه به اسرائیل این کار را انجام داد. [7]

آمریکا علاوه بر حمایت عملیاتی، به حمایت دیپلماتیک خود از عملیات نظامی نیز ادامه داده است. در 8 دسمبر، قطعنامه سازمان ملل را که خواستار آتش‌بس فوری بود وتو کرد. [8] در 22 دسمبر، قطعنامه‌ای کم‌رنگ را صادر کرد که خواستار "ارائه فوری، محفوظ

و بدون مانع کمک‌های بشردوستانه در مقیاس به طور مستقیم به جمعیت غیرنظامی فلسطین در سراسر نوار غزه" از طریق رأی‌گیری ممتنع بود. [9]

با این حال، آمریکا در عقب‌صحنه به تعامل با دولت نتانیاهو ادامه داد تا آن را به سمت اقدامی همسو با استراتژی جغرافیای-سیاسی خویش سوق دهد. این کشور می‌خواست اسرائیل به مرحله جدید جنگ برود، که در آن دولت یهود به بمباران غزه پایان می‌دهد و در عوض "به روش‌های دقیق‌تری بر هدف قرار دادن رهبری" حماس تمرکز می‌کند. آمریکا به اسرائیل اعلام کرد که انتظار دارد این مرحله جدید "طی هفته‌ها" آغاز شود. اسرائیل مبنی بر خواسته‌های آمریکا به عقب‌نشینی خود ادامه داد و استدلال کرد که تنها پس از چند ماه جنگ علیه غزه می‌تواند تاکتیک‌های نظامی خود را تغییر دهد. [10] با این حال، در ماه دسامبر، پس از دیدار لوید آستین، وزیر دفاع آمریکا، اسرائیل آهنگ خود را تغییر داد. در 18 دسامبر، یواو گالانت، وزیر دفاع اسرائیل طی یک کنفرانس مطبوعاتی مشترک با آستین گفت: "به زودی می‌توانیم بین مناطق مختلف غزه تمیز قائل شویم و می‌توانیم به تدریج به مرحله بعدی انتقال نماییم. و برای بازگرداندن جمعیت محلی شروع به کار نماییم". [11]

موفقیت آهسته اما پیوسته آمریکا در سوق دادن اسرائیل به سمت هدفی که می‌خواهد، دوباره در اواخر دسامبر به نمایش گذاشته شد، زمانی که نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل یک مقاله نظری در وال استریت ژورنال منتشر کرد. قبل از این که صحبتی از صلح شود وی گفت: "حماس باید نابود گردد، غزه باید غیرنظامی شود، و جامعه فلسطین باید غیر انقلابی شود". [12] این نشان دهنده پیشرفت در تحریک دولت یهود است، زیرا این اولین بار بود که نتانیاهو در مورد پایان جنگ، مذاکرات و صلح صحبت کرد، چیزی که در 8 هفته اول جنگ از انجام آن امتناع می‌ورزید. با این حال، خواسته‌های نتانیاهو نه تنها غیر واقعی، بلکه حتی عملاً غیرممکن بود. به عبارت دیگر، نتانیاهو تسلیم خواست آمریکا برای صحبت در مورد راه حل پس از جنگ شد، اما او این کار را به گونه‌ای انتخاب کرد که به او اجازه دهد تا جنگ را تا زمانی که ممکن است ادامه دهد.

با این حال، علی‌الرغم سخنان نتانیاهو، در اول جنوری 2024، اسرائیل اعلام کرد که در واقع برخی از نیروها را از غزه خارج می‌کند تا به عملیات هدفمندتر علیه حماس روی آورد. [13] این امر تأیید می‌کند که دولت یهودی از فشارهای آمریکا مصئون نیست و علی‌الرغم مقاومت‌اش، در نهایت باید به دلیل وابستگی به سلاح، پول و حمایت دیپلماتیک آمریکا، تسلیم خواسته‌های آمریکا شود.

فراتر از غزه

تحولات متعددی در طول ماه دسامبر رخ داده است که ظرفیت جنگ علیه غزه را برای تبدیل شدن به یک جنگ گسترده‌تر در سراسر خاورمیانه نشان می‌دهد. اولین مورد از این تحولات در دریای سرخ رخ داد، جایی که حوثی‌ها به تعدادی از کشتی‌های تجاری حمله کردند. این حملات زنجیره تأمین جهانی را به شدت مختل کرد، زیرا شرکت‌های بزرگ کشتیرانی تصمیم گرفتند در پاسخ به تهدید حوثی‌ها از دریای سرخ اجتناب نمایند و به جای عبور از کانال سوئز برای حمل و نقل بین اروپا و آسیا در اطراف دماغه امید نیک حرکت کنند. سفری که حدود 6 روز یک سفر متوسط در آن اضافه می‌شود. و مصارف را تا حدود 40 فیصد افزایش می‌دهد. [14]

آمریکا به خاطر اقدامات حوثی‌ها ایران را مقصر دانست [15] - اتهام معتبر، زیرا رابطه نزدیک بین حوثی‌ها و ایران به خوبی ثابت شده است.

در عراق نیز تشدید تنش‌هایی با حضور گروه‌های مسلح مرتبط با ایران وجود داشت. در آن‌جا، گروه کتائب حزب‌الله حمله پهبادی را به پایگاه‌های نظامی و دفاتر دیپلماتیک آمریکا انجام داد. [16] آمریکا قاطعانه به هر دوی این تحولات تشدید کننده مرتبط با ایران واکنش نشان داد. در دریای سرخ به حوثی‌ها حمله کرد که منتج به کشته شدن 10 نفر شد. [17] در عراق، آمریکا حملات هوایی تلافی جویانه‌ای را علیه گروه کتائب حزب‌الله و همچنان سایر گروه‌های مسلح مرتبط با ایران انجام داد. [18] این پاسخ آمریکا نشان دهنده عزم قوی برای عدم اجازه تشدید افقی جنگ در غزه است.

علاوه بر این، باید گفت که هدف ایران در پشت این اقدامات تنش‌زا به احتمال زیاد این نبود که یک تنش افقی ایجاد کند و به یک جنگ واقعی کشیده شود. یکی از نمایندگان گروه کتائب حزب‌الله در عراق به این موضوع اشاره کرد و گفت که گروه‌های مورد حمایت ایران در عراق نمی‌خواهند درگیری در منطقه گسترش یابد. [19] شواهد دیگر برای این ادعا این است که اگر ایران بخواهد شاهد تنش افقی باشد، به حزب‌الله لبنان دستور می‌دهد که جبههٔ دومی را برای ارتش اسرائیل بگشاید. محتمل‌ترین هدف ایران در عقب این تنش‌ها این است که به آمریکا خاطر نشان سازد که در سراسر خاورمیانه نفوذ دارد و بنابراین اگر بخواهد می‌تواند برای آمریکا مشکل ایجاد نماید. [20] به عبارت دیگر، تشدید تنش‌های ایران به احتمال زیاد برای حمایت از موقف مذاکرهٔ ایران طراحی شده است که تلاش می‌کند تحریم‌های اعمال شده توسط آمریکا را بالای خود لغو کند. [21] این ارزیابی را واکنش ایران به حملهٔ تروریستی در بنای یادبود جنرال ارشد سابق ایران، قاسم سلیمانی که نزدیک به 100 کشته برجای گذاشت، تأیید نمود. رهبر ایران آیت‌الله علی خامنه‌ای، تنها یک بیانیه صادر کرد و بدون نام بردن از اسرائیل یا آمریکا، عاملان این حمله را دشمنان بدخواه و جنایت‌کار ایران دانست - درحالی‌که قطعاً اگر قصدش این می‌بود که ایران وارد یک جنگ علنی گردد انجام می‌داد. [22]

دولت یهود نیز از ابتدای دسامبر دست به اقدامات تنش‌آمیزی زده است. دولت یهود در طول جنگ خود علیه غزه تهدید کرده است که در نهایت به حزب‌الله لبنان حمله خواهد کرد. بنی گانتز وزیر جنگ، در 11 دسامبر 2023 گفت که "تجاوز و حملات افزایش یافته حزب‌الله مورد حمایت ایران از اسرائیل خواستار رفع چنین تهدیدی برای جمعیت غیرنظامی شمال اسرائیل است. به همین ترتیب، یوآو گالانت وزیر دفاع، گفت: "زمانی که پروسهٔ جنگ را در غزه تکمیل نماییم، سیر نظامی عمدتاً به سمت شمال هدایت خواهد شد. ما نمی‌توانیم ساکنان شمال را متقاعد کنیم که به خانه‌های خود در امتداد مرز بازگردند، مگر این‌که ما مطمئن شویم که حزب‌الله از حماس قوی‌تر، آموزش دیده‌تر و مجهزتر و در حدی نباشد که جمعیت ما را به خطر بیندازد." [23]

اسرائیل علاوه بر کلمات تهدیدآمیز، دست به اقدامات مادی نیز زده است. یوآو گالانت وزیر دفاع اسرائیل گفت که ارتش اسرائیل در میان هفت جبهه که در حال حاضر در آن فعال هستند، شش جبههٔ آن را مورد هدف قرار داده است، که او آن‌ها را غزه، کرانه باختری، لبنان، سوریه، عراق، یمن و ایران معرفی کرد. [24] بیشتر اقدامات نظامی اسرائیل در سراسر منطقه خاورمیانه جنوب لبنان را هدف قرار داده است. حملات اسرائیل به مواضع حزب‌الله در آن‌جا در طول ماه‌های اکتوبر، نومبر و دسامبر 118 کشته و 536 زخمی برجای گذاشته است. [25] در میان کشته شدگان 20 غیرنظامی و همچنان تعدادی از روزنامه نگاران مسلکی هستند. در سوریه، اسرائیل به یک دیپلمات ایرانی مستقر در دمشق، سید رضی موسوی، جنرال سپاه پاسداران که مسئول هماهنگی روابط

ایران و حزب الله بود، حمله کرده و او را به قتل رساند.[26] و در لبنان، اسرائیل معاون رئیس شاخه سیاسی حماس، صالح العاروری را که فرستاده حماس در حزب الله بود، ترور کرد.[27] در هر زمینه دیگری، اقداماتی از این قبیل به اتفاق آرا به عنوان "اعمال جنگی" توسط جامعه بین المللی محکوم می شد. و اگر علیه هر یک از کشورهای پیشرو جهان، مانند آمریکا یا بریتانیا، انجام می شد، منجر به پاسخ های نظامی می گردید و خطر جنگ همه جانبه را به همراه داشت.

در پاسخ به اقدامات جنگی اسرائیل علیه لبنان و سوریه، آمریکا تلاش های دیپلماتیکی را برای جلوگیری از تشدید افقی جنگ علیه غزه انجام داده است. آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه آمریکا، در حال سفر به منطقه بزرگ بوده است، در حالی که آموس هوششتاین نماینده دیپلماتیک آمریکا، به طور خاص بالای همکاری با اسرائیل و حزب الله تمرکز کرده است تا از جنگ بین آنها جلوگیری کند.[28] علاوه بر این، آمریکا گام برداشته است تا کشتی هوا پیمابر USS Gerald R فورد را از دریای مدیترانه بیرون بکشد.[29] پس از وقایع هفتم اکتوبر، گروه ضربتی حامل برای جلوگیری از هر بازیگری که به دنبال تشدید اوضاع یا گسترش جنگ در غزه بود، در آن جا مستقر شده بود.[30] این واقعیت که آمریکا تصمیم گرفته است این گروه حمله حامل را به کشور خود فراخواند، درست در لحظه ای که خطر تشدید تنش در بالاترین حد است، باید به عنوان پیامی از سوی آمریکا به اسرائیل تلقی شود که باید از ادامه تشدید جنگ عقب نشینی کند: "زمانی که اقدامات شما باعث واکنش دشمنان شما در سراسر منطقه می شود، بالای ما حساب نکنید تا از شما دفاع کنیم، پس عاقل باشید، خونسرد باشید و خودداری کنید".

در پس زمینه همه این ها، مصر مذاکرات با حماس و اسرائیل را برای پایان دادن به جنگ غزه رهبری می کند. همان طور که در تحلیل اصلی ما از جنگ اسرائیل علیه غزه مستند شده است، تلاش های مصر با طرح آمریکا کاملاً هماهنگ است. مصر پیشنهاد می کند که حماس و جهاد اسلامی در ازای آتش بس دائمی، قدرت خود را در نوار غزه واگذار نمایند.[31]

در نتیجه

تحولات اخیر در جنگ غزه از نتیجه اصلی اولین تحلیل جغرافیای-سیاسی ما در مورد این موضوع حمایت می کند و آن این بود که آمریکا وقایع هفتم اکتوبر را فرصتی برای پیشبرد پلان خود برای خاورمیانه می بیند، که این نتیجه استراتژی جغرافیای-سیاسی آن به نام "به محور آسیا" است: سیاست اسرائیل را تغییر دهد تا توافقات ابراهیم را که توسط آمریکا پیشنهاد شده است، و همچنان راه حل دو کشوری برای فلسطین را بپذیرد.

از زمان انتشار اولین تحلیل ما، آمریکا به فشار بالای دولت یهود برای تنظیم سیاست های خود در راستای این پلان برای خاورمیانه ادامه داده است. این روند به جای «قاطع و سریع» «آهسته اما پیوسته» بوده است، زیرا سیاستمداران آمریکا باید فضای یهودیت را در کشور خود مدیریت کنند، چیزی که در اولین تحلیل جغرافیای-سیاسی ما در مورد این موضوع با جزئیات بیشتر توضیح داده شده است. اما رویکرد "آهسته اما پیوسته" به موفقیت هایی دست یافته است، همان طور که توسط دولت یهود اعلام یک "مرحله جدید" در جنگ خود علیه غزه نشان می دهد. در همین حال، مصر رهبری همکاری با حماس را به عهده گرفته است تا پلان آمریکا را نیز بپذیرد.

نکته قابل توجه این است که دولت یهود به طور خاص اقداماتی را انجام داده است که برای تشدید جنگ فعلی در تضاد با نقشه آمریکا طراحی شده است. اما آمریکا به این اقدامات به گونه‌ای پاسخ داده است که با پلان خودش همسو باشد نه با پلان اسرائیل. آمریکا به طور مداوم برای کاهش تنش هر زمان که دولت یهود آن را تشدید می‌نمود کار کرده است. و با پایان دادن به استقرار گروه جنگی حامل USS فور، حتی بالای دولت یهود فشار وارد کرده است تا در آینده از اقدامات تشدید کننده خودداری نماید.

ارزیابی ما این است که با این وجود، حداقل برای مدتی، دولت یهود تشدید درگیری را ادامه خواهد داد. یکی از دلایل این امر جغرافیای-سیاسی است. از منظر اسرائیل، یک جنگ منطقه‌ای گسترده‌تر، که در آن آمریکا به طور فعال برای اطمینان از عدم شکست اسرائیل شرکت می‌کند، نقطه شروع ایده‌آلی برای مذاکرات بر سر شرایط توافق نامه ابراهیم خواهد بود. تضعیف ایران، لبنان، سوریه، و احتمالاً عربستان سعودی، یهودیان را قادر می‌سازد تا به آن‌چه در این مذاکرات می‌خواهند، دست یابند.

دلیل دیگری که اسرائیل احتمالاً به دنبال تشدید تنش است، مربوط به سیاست داخلی است. دولت فعلی اسرائیل به رهبری نخست وزیر نتانیاهو تقریباً مطمئن است که پس از پایان جنگ، قدرت را از دست خواهد داد. هنگامی که جنگ علیه غزه وارد مرحله بعدی پیش بینی شده توسط آمریکا شود، "کابینه فعلی جنگ اضطراری اسرائیل احتمالاً از هم خواهد پاشید." [32] در انتخابات بعدی، نتانیاهو هیچ چانس نخواهد داشت، زیرا نظرسنجی اخیر نشان داد که تنها 15 فیصد از اسرائیلی خواهان ماندن نخست وزیر بنیامین نتانیاهو پس از جنگ هستند. [33] اما اگر نتانیاهو مقام خود را از دست بدهد، احتمالاً در نهایت به زندان می‌رود، زیرا او به اتهامات مختلف فساد و فریب کاری محاکمه خواهد شد. بسیاری استدلال می‌کنند که او در مقام ریاست جمهوری به دنبال اصلاح سیستم قضایی اسرائیل بوده است تا از این اتفاق جلوگیری کند. [34] اما محکمه عالی اسرائیل اصلاحات قضایی پیشنهادی او را رد کرده است. [35]

این امر باعث می‌شود نتانیاهو و حامیانش در دولت کنونی اسرائیل تا پس از انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا، چاره‌ای جز تلاش برای ادامه جنگ نداشته باشند، به این امید که رئیس جمهور جدید بیشتر از منافع و اهداف آن‌ها حمایت کند. [36] به هر حال، در پایان! آمریکا تصمیم خواهد گرفت که شرایط بعدی چگونه پیش خواهد رفت. ادامه روی کرد "آهسته اما پیوسته" محتمل ترین مسیر عملی آن می‌باشد.

نوشته از عدنان خان

برای دفتر مرکزی مطبوعاتی حزب التحریر

28 جمادی الثانی 1445 هـ ق

چهارشنبه 10 جنوری 2024م

مترجم: عبدالرحمن "قاطع"